

مثنوی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ای منسره پرده دار پرده در وی بهر پرده در و ابر پرده در
چون سرایم من است پستان پساک در قیاس است و تو پرون ارقیاس
لایق ذکر شایسته جز تو کیرت وز تو جز تو یحکس آگاه نیرت
وصف ما اندر خور او نام است ذات تو پرون ز صد و همت است

مثنوی

مثنوی، مجموعه اشعار مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع است که در ۱۹۱۸ بیت شعر سروده شده و در بیان مسائل حکمی است.

دو اثر منظوم دیگر از آن بزرگوار موجود است که به زبان عربی است یکی به نام ارجوزه که ناتمام و در اعتقادات است و یکی هم دیوانی است به نام مرثی و هردو چاپ شده است.

خود مرحوم کرمانی اع ، انگیزه سرودن این مثنوی و همچنین موقعیت آن را در رساله شهاب الثاقب

صفحه 79 چنین توضیح میدهند که حاصل ترجمه آن این است:

و مناسب این مقام است این قصه، که زمانی در تهران بودم، پس **ملك الشعرا** را دیدم که شاعران گذشته را نام میبرد. پس یادی از پدرش کرد که شاعرترین شاعران و **ملك الشعرا** زمان خودش بود. و داناترین شاعران به بدایع و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین ایشان بود. **ملك الشعرا** گفت: شاعرترین شاعران ایرانی، مولوی رومی است که مثنوی مشهور را نوشته است.

پس از این سخن شگفت زده شدم؛ زیرا در مثنوی شعرهای غیر فصیح که دارای واژه های ناپسندی بود دیده بودم و میدانستم پدر مولوی در فن شاعری استاد بوده. پس خود را نادان دانستم تا این که خداوند مرا به راز گفته ی **ملك الشعرا** آگاه نمود. و آن سرّ این است که هر يك از شاعران چون حکمت و نوق و معرفت مولوی را ندارند، پس هنگام شعر گفتن نمیتوانند آن مطالب عالیه و آن نوق و معرفت را به کار گیرند، پس مانند مثنوی نمیتوانند بیاورند. و کسی هم که حکیم است ولی شاعر بلیغی نیست، نمیتواند حکمتی را که دارد در شعر بیان کند، پس از آوردن مثل کتاب مولوی عاجز میشود. پس از این جهت اقرار می‌کردند که او شاعرترین شاعران است؛ به خصوص خود **ملك الشعرا** حکیم نبود و از آوردن مثل مثنوی عاجز بود.

با خود اندیشیدم که خداوند به تو حکمت و شعر را روزی فرموده بیشتر از آن چیزی که به مولوی روزی فرموده. گذشته از آن که در حکمت مولوی، مُنکراتی وجود دارد که مخالف با کتاب خدا و سنت پیغمبرش صلی الله علیه و آله است. پس اگر من بعضی از مطالب حکمت را به شعر درآوردم، از رودرویی با شعرهای تو، شاعران عاجز میشوند همان‌گونه که از رویارویی با مثنوی عاجز شدند.

پس به شعر درآوردم در حالی که هیچ نیرویی نیست مگر از خداوند، به گونه ای که اگر مولوی زنده بود، هرآینه اظهار میکرد که من از او شاعرتر و فصیح‌تر و بلیغ‌تر و حکیم‌تر هستم.

صدق مولانا الکریم.

در روز های دوشنبه که مختص ادبیات است، هر روز یکی از اشعار مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع را ذکر میکنیم، و اگر توضیحی لازم داشت در پایان پست به آن میپردازیم. خداوند توفیق معرفت و فهم این اشعار را به همه ی دوستان و پویندگان راه ائمه و ایشان عنایت بفرماید.